

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۳۰

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۲

طرح اندیشه مهدویت از سوی امام باقر علیه السلام

*امیر غنی

چکیده

این نوشتار در ادامه مقالات گذشته و تأملی در چگونگی طرح آموزه‌های مهدویت از سوی امام باقر علیه السلام و کیفیت ارائه معارف مهدوی ایشان است؛ بیاناتی که با توجه به اهداف کلی دعوت دینی، فرصت ویژه صادقین در آموزش معارف دینی، نیازهای عصر سقوط امویان و ظهور عباسیان شکل گرفته است.

بررسی محورهای مورد تأکید در این بیانات و تأمل در نسبت آن‌ها با اهداف کلی و نیازهای هر عصر می‌تواند از یک سو طرح کلانی را نشان دهد که در این شکل از تعلیم و تربیت تعقیب شده است و از سوی دیگر، تأثیر تربیتی و اخلاقی هر یک از آموزه‌های مهدوی را نمایان تر کند.

این پژوهش بر تحلیل محتوایی روایات صادره از امام باقر علیه السلام تکیه دارد و می‌کوشد با توجه به شرایط عصر صدور، آثار آموزه‌های مهدوی بر شیعیان را معلوم نماید؛ از این‌رو با تعیین محورهای مورد تأکید در سخنان آن امام، همراه با ارائه نمونه‌ای از آن و تأمل در نسبت این سخنان با شرایط مخاطبان، تلاش دارد به حکمت و جهت طرح هر یک از آموزه‌ها دست یابد. ارائه نمونه از سخنان امام باقر علیه السلام در این نوشتار با توجه به توضیحات مقالات پیشین، محدودتر بوده و کثرت روایات آن حضرت ما را ناچار از گزارش کلیات و پرهیز از ذکر جزئیات کرده است. از پیش‌فرضها و روش‌های این مجموعه مقالات، پیش‌تر در نوشتاری دیگر گفت و گو کرده‌ایم.

مقاله حاضر، روشنگراین سخن است که تعلیم آموزه‌های مهدوی در این برهه از تاریخ ائمه علیهم السلام افرون بر ارائه معارف مهدوی و آخرالزمانی به نکاتی

مهم در تربیت مخاطبان توجه دارد و نوعی زمینه‌سازی برای جلوگیری از آفات بحث مهدویت و جلوگیری از انحرافات را مناسب با عصرائمه نخستین دنبال می‌کند.

واژگان کلیدی

آموزه‌های مهدویت، عصر امام باقر ع، افول امویان، ادعای مهدویت، ظهور عباسیان.

مقدمه

با مرگ عبدالملک بن مروان و حجاج بن یوسف، خشونت و اقتدار حکومت بنی امية کاهش یافت. آغاز امامت حضرت باقر ع هم‌زمان با این ایام بود که فشارها و سختگیری‌ها کاهش یافت و امکان مناسب‌تری برای فعالیت‌های آموزشی فراهم آمد. با آغاز حکومت عمر بن عبد‌العزیز و تا زمان قدرت گرفتن هشام بن عبدالملک، برخورد با شیعیان شکلی آرام‌تر به خود گرفت و امکان فعالیت تربیتی و آموزشی برای امام باقر ع فراهم شد. بدین ترتیب، حرکت تربیتی‌ای که با امام سجاد ع آغاز شده بود^۱ در عصر امام باقر ع فرصت مناسبی برای توسعه و تعمیق خود یافت.

اولین استفاده از این آموزه را در فرقه کیسانیه می‌توان ردیابی کرد (نوبختی، ۱۴۰۴: ۲۶). پس از آنان، اولاد عباس نیز مدعی وصایت شدند (همو: ۳۰ - ۳۶) و با انتخاب القاب حضرت مهدی ع برای خود، راه تازه‌ای برای سوء استفاده از گرایش‌ها و باورهای مردم آزمودند؛ راهی که بعضی از نوادگان امام مجتبی ع نیز در مقابله با عباسیان در پیش گرفتند (بلذری، ۱۳۹۴: ج ۳، ۷۸؛ اصفهانی، ۱۳۸۵: ۲۱۷).

ضعف حکومت اموی و کم شدن فشارها این امکان را برای امام باقر ع فراهم کرد که فعالیت‌های گستره‌ای را در عرصه آموزش سامان دهد. مدرسه امام باقر ع موفق به تربیت نسل تازه‌ای از دانشمندان شیعه، مناسب با نیازهای عصر جدید شد؛ عصر پرسش‌ها و شباهات؛ پرسش‌هایی که در بستر ضعف فرهنگی مسلمانان می‌روید و از چالش اندیشه‌ها و فرهنگ‌های مسلط آن روزگار با فرهنگ مسلمین تغذیه می‌شد.

۱. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ الْحُسَينِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسِينِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ جَمِيلٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع
قال: ارْتَدَ النَّاسُ بَعْدَ الْحُسَينِ ع إِلَّا ثَلَاثَةً: أَبُو خَالِدِ الْكَاتَلِيُّ وَيَخْتَى ابْنُ أَمِ الْطَّوَيْلِ وَجَبَيرُ بْنُ مُطَعْمٍ، ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ لَجَهُوا وَ
كَثُرُوا؛ جَمِيلُ ازَّامَ صَادَقَ ع نَقْلَ كَرْدَهُ اسْتَ كَه فَرْمُودَ: مَرْدَمَ بَعْدَ ازْ حَسِينَ ع مَرْتَدَ شَدَنَدَ مَكْرَسَهْ نَفَرَ؛ أَبُو خَالِدِ كَابَلَيِ،
يَحِيَيِ بْنِ أَمِ الطَّوَيْلِ وَجَبَيرَ بْنِ مُطَعْمٍ. پس از مدتی مردم پیوستند و زیاد شدند. (مفید، ۱۴۱۳-الف: ۶۴)

عصر امام باقر علیه السلام آغازی بر دوره شکوفایی فوق العاده جامعه شیعه است. پیامبر ﷺ او را باقر العلوم نامید؛ از این رو که او به سبب نیاز آتی در رویارویی با اندیشه های یونانی، ایرانی و... به آموزشی متفاوت از علوم انبیا روی آورد؛ او آن چه را که رسول آورده بود می شکافت، لایه های تازه ای از علم دین را عرضه می داشت، پاسخ هایی را که جامعه اسلامی به آن نیاز داشت از عمق پیام رسول استنباط کرده و راه وصول به این همه را نیز به حاملان علم شیعه می آموخت.

آموزه های اولیه اسلام در برابر اندیشه های ساده مشرکان و حرف های نه چندان پیچیده اهل کتاب عرضه شده بود. اما اکنون اندیشه های عمیق یونانی و ایرانی و پیام های رمزآلود هندی در برابر اندیشه اسلامی رخ می نمود و تبیینی تازه و ژرف اندیشه متفاوتی در اندیشه های الهی را نیاز داشت.

اگرچه اندیشه اسلامی ظرفیت پاسخ گویی به همه نیازها تا روز قیامت را دارد، ولی این اندیشه به صورت لایه لایه عرضه شده و برای رسیدن به عمقی بیشتر، شکافنده علمی چون امام باقر علیه السلام را طلب می کرد.

باقر العلوم علیه السلام به لایه های زیرین اندیشه اسلامی پرداخت و در تمام عرصه فقه - از عقاید و معارف تا اخلاق و احکام - به نوآوری پرداخت. در عرصه عقاید و معارف، نه تنها اعتقادات ناب دینی را تبیین کرد، بلکه به توضیح لایه هایی از معارف دینی اقدام کرد که پاسخ گوی نیاز این دوره بود.

کلامی که در آموزش های امام باقر و فرزندش علیه السلام القا می شد، همانند آموزش های رسول خدا علیه السلام و جانشینان او رکنی از تربیت دینی است و نوعی حرکت فکری و روحی را برای افراد به ارمغان می آورد. اما در عصر صادقین علیه السلام اصول و قواعد این اندیشه و استدلال های طریف و دقیقی که در ورای تک تک مفاهیم و گزاره های دینی نهفته است، آموزش داده می شد. این آموزش ها ذهن شاگردان را سازمان می دهد؛ ذهنیتی که به آنان امکان پاسخ گویی به هر شبکه تازه را فراهم می آورد. این ذهنیت حاصل نوع آموزشی است که در آن، فرد با تمامی وجود درگیر سؤالات اساسی شده و حرکت فکری خود را با پرسش های دقیق آغاز می کند.^۱ در این روش پیش از ارائه پاسخ، ذهن با پرسش و درگیری با موضوع آماده شده و مطالب بی محابا به ذهن مخاطب ریخته نمی شود.

۱. نمونه این نوع برخورد را در اولین و دومین برشور امام با هشام بن حکم (کشی، ۱۴۰۹: ۲۵۶) و همچنین در سخنران امام صادق علیه السلام در آغاز مناظره مرد شامی با اصحاب امام می توان دید (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۲).

در آموزش‌های صادقین علیهم السلام توجه به آموزش اصول و قواعد اندیشه دینی و استدلال‌ها و حکمت‌ها برجستگی خاصی دارد. در این شیوه، نه تنها ظرایف و لطائف قرآنی^۱ و روایی آموخته شده، بلکه چگونگی تحصیل این نکات نیز توضیح یافته است (نک: مشرق موعود، ش ۲۲). این آموزش‌ها همراه با فضای باز گفت‌وگوی با استاد، استفاده از شیوه کارگاهی جدل و نقد شیوه استدلال شاگردان، به تربیت رجالی می‌انجامد که در برابر هر حریفی و در هر عرصه‌ای توان مقابله دارند و قدرت کلام را در دو چهره تبیین‌گرو مدافع به رخ می‌کشند (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۳، ۸۷ و ۱۷۲ و ۲۲۰؛ صدوق؛ ۱۳۹۸: ۲۵۶ و ۲۵۶؛ کشی، ۱۴۰۹: ۲۶۶). شاگردان گاه با حضور در مواجهه امام با صاحبان مذاهب و فرق می‌توانند در شیوه و محتواهی مباحث کلامی نکات بسیاری بیاموزند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۷۲ و ۷۸).

در این جایگاه استاد به جای درگیری مستقیم خود با صاحبان شباهه و سؤال، می‌تواند شاگردان را به رویارویی با آنان بفرستد^۲ و خود تنها مشکل‌گشایی کرده و در حل دشواری‌ها از شاگردان خویش پشتیبانی کند.^۳ شاگردان نیز در صحنه عمل با مشکلات و پرسش‌های واقعی آشنا شده و توانمندی‌هایشان محک می‌خورد.

در بررسی روایات صادقین علیهم السلام باید به تفاوت‌های عصر این دو امام نیز توجه داشت. امامت حضرت باقر علیه السلام در دوره فتور حکومت اموی است و دلیل چندانی برای تقيیه نیست، اما امام صادق علیه السلام با آخرين خلیفه مقتدر اموی - یعنی هشام بن عبدالملک - و با دو خلیفه خون‌ریز عباسی، ابوالعباس سفاح و منصور هم عصر است. فضای گفت‌وگوی حضرت صادق علیه السلام آکنده از حساسیت حکومت‌هاست و پیچیده‌گویی و تقيیه لازمه ادامه حرکت شیعی در این دوره‌ها به شمار می‌رود.

تفاوت دیگر در قلت و کثرت شیعیان است. اصحاب امام باقر علیه السلام جمعی محدود ترولی خالص‌ترند، اما عصر امام صادق علیه السلام دوره پرشماری شیعیان و همراه شدن با ناخالص‌ها و ناخالصی‌های است. همین نکته موجب می‌شود فهم سخنان امام صادق علیه السلام محتاج به دقت‌ها و

۱. در کتاب معجم احادیث الامام المهدی ۹۳ حدیث از امام باقر و بیش از این مقدار از امام صادق علیه السلام نقل شده که با تفسیر و تأویل آیات قرآن، بسیاری از معارف مهدوی تبیین شده یا بر آن‌ها استدلال گردیده است.

۲. رویارویی‌های احول با ابوحنیفه و هشام با ارباب مذاهب و ادیان (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۷، ۳۹۶) و مروری بر آن‌چه درباره قیس ماصر گفته شد و همچنین دیدن عناوین کتب و نوشته‌های رجال بزرگی مانند یونس بن عبدالرحمن، فضل بن شاذان و متکلمان بزرگ آل نوبخت در عصر مخصوصین علیهم السلام تصویری کوچک از تلاش‌های آن بزرگان را رایه می‌دهد.

۳. برای نمونه نگاه کنید به مناظرة دیسانی با هشام و رجوع هشام به امام (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۷۹ و ۱۲۹). همچنین گفتنی است اصحاب عمدتاً پس از آموزش در مدینه به شهر خویش بازگشته و به کار و تبلیغ می‌پرداختند و تنها گاهی برای زیارت امام و پرسش به مدینه آمده یا در ایام حج و عمره به گرد امام جمع می‌شدند.

ظرافت‌های بیشتری باشد.

آخرین تفاوت در پدیدار شدن آل عباس است؛ قدرت طلبان تازه‌ای که با آل علی علیهم السلام نسبتی نزدیک دارند و از بسیاری از اسرار باخبرند. اینان از معارف شیعی آگاهند و آماده سوء استفاده از هر آموزه‌ای به ویژه آموزه مهدویت هستند. توجه به حضور و حساسیت عباسیان در فضای صدور یا تدوین کتب حدیث^۱ می‌تواند به تحلیل‌های متفاوتی بینجامد. باید به این نکته توجه داشت که عباسیان و داعیان از اواخر دوره حضرت امام باقر علیهم السلام کار خود را آغاز کردند؛ حرکتی که در دوره امام صادق علیهم السلام به بار نشست.

در ادامه به محورهای سخنان امام باقر علیهم السلام درباره آموزه‌های مهدویت اشاره می‌کنیم و بر نکات پر تکرار و متفاوت در هر یک تأکید خواهیم کرد. فراوانی روایات صادقین علیهم السلام سبب می‌شود برای تنظیم مناسب‌تر به دسته‌بندی محتوایی تازه‌ای براساس مقطع زمانی مورد توجه در کلام روی آوریم.

مأخذ و مرجع اصلی در این بخش، کتاب معجم احادیث امام مهدی علیهم السلام است که به شماره صفحات آن در میان پرانتز اشاره شده است. تقریباً تمامی روایات امام باقر علیهم السلام در جلد چهارم و

۱. کتاب‌های مهمی مانند کتاب *الفن نوشته نعیم بن حماد مروزی*، با چنین نگاهی مورد توجه قرار دارند. در این کتاب روایات متعددی از امام باقر علیهم السلام نقل شده است که همگی دچار ضعف سند هستند. استناد مزبور عبارتند از:
۱. حدثنا سعید ابو عثمان عن جابر عن ابی جعفر (نک: مروزی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۲۲۴، ۳۰۴، ۲۹۰، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۲۷) و (۳۴۵):

۲. حدثنا یحیی بن الیمان، عن هارون بن هلال، عن ابی جعفر علیهم السلام (همو: ۳۳۳):

۳. حدثنا الولید، قال اخبرنی شیخ عن جابر عن ابی جعفر علیهم السلام (همو: ۳۲۵ و ۳۲۹):

۴. حدثنا الولید و رشیدین، عن ابن لهبیعة، قال حدثنا ابوزرعه، عن محمد بن علی (همو: ۳۴۷):

۵. حدثنا الولید بن مسلم، قال حدثی محدث آن (همو: ۳۴۹):

در صدر سند اول عنوان سعید ابو عثمان واقع شده است. از میان استاید نعیم بن حماد، دونفر این اسم و کنیه را دارند (مزی، ۱۴۰۶: ۴۶۹، ۲۹ و ۱۰، ۴۶۳)، سعید بن عبد الجبار الحمصی و سعید بن زکریا قرشی. راوی اول از سوی دانشنامه‌دان رجالي اهل سنت تضعیف شده و قابل اعتماد نیست (نک: همو: ج ۱۰، ۵۲۲)، اما راوی دوم اگرچه از سوی ابوحاتم و برخی دیگر جرح شده، اما بخاری و ابن حجر او را توثیق کرده‌اند (نک: همو: ج ۱۹، ۴۳۵). به هر حال قرینه‌ای در کتاب نعیم بن حماد برای تمیز این دو وجود ندارد و از این رو سند مزبور قابل اعتماد نیست.

در سند دوم، یحیی بن الیمان و هارون بن هلال حضور دارند. فرد اول از سوی بسیاری جرح شده (نک: ابن سعد، بی‌تا: ج ۶، ۳۹۱؛ نسائی، ۱۴۰۶: ۲۴۹؛ ابن عدی، بی‌تا: ج ۷، ۲۳۵)، احمد بن حنبل و یحیی بن معین به نقل از عسقلانی، ۱۴۰۴: ج ۱۱، ۲۶۷)، اگرچه برخی نیز او را توثیق کرده‌اند (ابن حبان، ۱۳۹۳: ج ۹، ۲۵۵ البته با تعبیر ریما اخطأ؛ علی بن عبد الله المدینی به نقل از خطیب بغدادی، بی‌تا: ج ۱۲۷، ۱۴) با تعبیر صدق و کان قد افلج فتغیر حفظه). هارون بن هلال نیز مجھول الحال بوده و راهی برای توثیق او نیست.

سندهای سوم و پنجم گرفتار ارسال بوده و اعتباری ندارند. در سند چهارم، ولید بن مسلم، رشیدین بن سعد، عبدالله بن لهبیعة و ابوزرعه واقع شده‌اند که از احوال آنان - به جز ابوزرعه - در منقولات از نعیم بن حماد از علی علیهم السلام گفت و گو کردیم. این سند نیز به سبب اعتبار نداشتن ابن لهبیعة قابل اعتماد نیست.

بخش کوچکی از روایات در جلد پنجم این کتاب قرار گرفته است. البته روایات تفسیری امام باقر علیه السلام در حوزه مهدویت در مجلدی مستقل و در کنار سایر روایات تفسیر ائمه اطهار علیهم السلام گردآوری شده است.

محورهای بحث در سخنان امام باقر علیه السلام

۱. تولد، نام و نسب، ویژگی‌ها

امام باقر علیه السلام در چند روایت از مخفی بودن ولادت امام مهدی علیه السلام سخن گفته (۳۳۷) - (۳۴۰) و در تعدادی از روایات به توصیف ظاهری امام مهدی علیه السلام پرداخته‌اند (۳۵۱) - (۳۵۵). در روایات امام باقر علیه السلام کمتر به نام مهدی علیه السلام اشاره شده^۱ و حتی در مواردی، اجتناب امام از ذکر نام ایشان مشهود است (۳۴۱) و (۳۵۱).

در یک روایت از درج امام و عملکرد او در پیمان و میثاقی خبر داده که از همگان گرفته شده است؛ میثاق مندرج در آیه ۱۷۲ سوره اعراف (۳۷۷). در روایتی دیگر نیز به ویژگی مشهور مادر امام مهدی علیه السلام اشاره شده است: ابن سیدة الإمام فرزند سرور کنیزان (۳۵۷).

تأکید بر مخفی بودن ولادت مهدی علیه السلام دو اثر در شیعه داشته است؛ اول، آمادگی برای چنین شرایطی و دور ماندن از شک و تردید؛ دوم، در اختیار گذاردن عالمتی برای تشخیص درست تا جایی که مدعیان حتی در ادعای مهدویت موسی و اسماعیل - فرزندان امام صادق علیه السلام - نتوانستند موقیت چندانی به دست آورند.

توصیف ظاهری مهدی علیه السلام و خبر دادن از ویژگی مادر او، در خود تأکیدی بر قطعیت موعد و همچنین احاطه امام باقر علیه السلام دارد و جایگاه او را بر مخاطب معلوم می‌کند. این توصیفات می‌تواند عالمتی را نیز در اختیار مخاطبان و آیندگان بگذارد.

روایت به قرار گرفتن مهدی علیه السلام در مضمون میثاق توحید و ربویت، و درج امامت در مضمون توحید اشاره دارد و این که ادامه توحید و حاکمیت پروردگار، پذیرش امامتی است که روشنگر حکم پروردگار در تمامی حادثه‌هاست.

۲. غیبت

توجه به حکمت غیبت در روایات بسیاری دیده می‌شود. در این روایات از ترس از کشته شدن (۳۴۶)، بیعت نکردن با گردن کشان زمانه (۳۴۸)، تحول در روحیه حاکم بر

۱. «ائمه اسمی؛ نامش نام من است». (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۱).

جامعه^۱ (۳۹۹ - ۴۰۲)، غربال شدن (۳۲۱ - ۳۱۹) و همچنین نیاز به طی شدن دوره‌هایی در جامعه انسانی و حصول برخی تغییرات (۳۱۹ - ۳۲۱، ۴۰۲ - ۳۹۹...) به عنوان دلایل غیبت نام بردۀ شده است. همچنین در قالب بیان آثار غیبت نیز به نکاتی اشاره شده (۳۵۰ - ۳۴۸) که می‌توان از آن به عنوان بخشی از حکمت‌های غیبت یاد کرد.

امام در این سخنان از یک سو تداوم امامت آشکار را ناممکن و از سوی دیگر غربال شدن شیعیان و حصول نوعی بلوغ اجتماعی را لازمه قیام و ظهور امام دانسته است.

این بیانات، عقلانیت غیبت را روشن می‌کند و اشاره به حرکت‌هایی دارد که برای رسیدن به ظهور و قیام باید شکل گیرد. توضیح وجهه عقلانی غیبت، شباهه‌ها را می‌زداید و افق پیش روی فرد و جامعه شیعه را روشن می‌کند. این بخش از سخنان حضرت باقر علیه السلام به نکات ظرفی نیز اشاره دارد که باید در بحثی مستقل به آن پرداخت.

انحراف دیگری که در این کلمات مورد توجه خاص قرار گرفته، بحث تعیین وقت برای ظهور است. در این روایات، هر گونه وقت‌گذاری به صراحت باطل به شمار آمده و گوینده چنین سخنی تکذیب شده است (۳۹۳ به بعد). فراهم آمدن شرایط ظهور حجت‌خدا وابسته به پایمردی مؤمنان و تحول در فضای فکری مردم است و برای چنین اموری نمی‌توان وقت تعیین کرد.

۱. در کافی (ج، ۸، ص ۳۶۲) گفت و گویی میان حمران و امام باقر علیه السلام نقل شده است. در این گفت و گو، امام در پاسخ به سؤال حمران از زمان ظهور، برای او داستان عالمی را می‌گوید که فرزندش ازاو نیاموخته، اما همسایه ازاو بهره می‌گیرد. در بستر مرگ، عالم به فرزند توصیه می‌کند به هنگام نیاز، به سراغ همسایه جویای علم برود. پس از مرگ عالم، پادشاه خواهی می‌بیند و برای تعبیر آن از عالم سراغ می‌گیرد و هنگامی که از مرگ عالم آگاه می‌شود، فرزند او را به حضوری طلب. جوان حیران و هراسان از این دعوت به سراغ همسایه می‌رود، اما با این شرط او مواجه می‌شود که اگر پادشاه پادشاهی به او داد، همسایه نیز در آن سهیم باشد. با پذیرش شرط، همسایه از خواب پادشاه خبر داده و به او می‌آموزد که در پاسخ سؤال پادشاه از این که این زمان، کدام زمانه است، بگوید: زمانه گرگ. جوان با آموخته‌هایش حضوری موفق در نزد پادشاه داشته و به پادشاه می‌رسد، اما به وعده با همسایه وفا نمی‌کند. خواب دوبایه پادشاه، به احضار جوان و التماس و تعهد دوبایه او به همسایه می‌انجامد و همسایه این بار به او می‌آموزد که در پاسخ پادشاه بگوید: این زمان، زمانه قوچ است. جوان پس از گرفتن جایزه به تردید افتاده و باز نیز بی‌وفایی پیشه می‌کند. پادشاه باز خواب می‌بیند و جوان، پیشمان از بی‌وفایی‌ها، اما ناگزیر از پاسخ پادشاه، باز به محضر همسایه شتافته و ملتمنسانه کمک می‌خواهد و بر تقدیم جایزه تعهد می‌کند. همسایه به او می‌آموزد که این بار در پاسخ سلطان بگوید: زمان، زمانه میزان است. جوان با توفیق در نزد سلطان جایزه را به نزد همسایه آورده و ازاو می‌خواهد تا این بار او اختیاردار تقسیم باشد. همسایه سهمی برای خود نمی‌خواهد، اما برای جوان مزوری بر گذشته دارد که بار اول، زمانه گرگ بود و تو نیز از گرگان، و نوبت دوم زمانه قوچ بود که قصد می‌کند و انجام نمی‌دهد و تو نیز از قوچ‌ها، اما اکنون زمانه میزان است و تو نیز آماده وفا.

داستان امام باقر علیه السلام به لزوم تحول زمانه اشاره دارد؛ تحولی که با پختگی اجتماعی و تجربه راه‌های دیگر حاصل خواهد شد. آن‌ها که در زمانه حضور از پدران امت (حجت‌های خدا) بهره نبردند، باید دوره‌های گرگ‌صفتی و تردید و بی‌عملی را بچشند تا ارزش وفا و اعتدال را حس کنند و آماده همراهی با حجت‌های خدا شوند.

در برخی روایات معتبر، از سال هفتاد به عنوان موعدی خبر داده شده که خداوند برای زمان حکومت ائمه علیهم السلام تعیین کرده بود، اما با کشته شدن امام حسین علیهم السلام پورودگار بر اهل زمین غصب کرد و آن را تا سال صد و چهل به تأخیر انداخت. این موعد نیز به سبب کشف اسرار ائمه از سوی یاران ایشان منتفی شد و خداوند پس از آن در نزد ائمه علیهم السلام زمانی را برای حکومت تعیین نکرد.

این سخن را با مروری بر تاریخ ائمه نیز می‌توان تأیید کرد؛ زیرا حرکت اجتماعی شیعه پس از رسول خدا علیهم السلام بعد از وقفه‌ای که با تسلط اولیه بنی امیه حاصل شد، روندی صعودی داشت و تأمل در شرایط اجتماعی جامعه شیعه نشان می‌دهد که تداوم حرکت حسینی می‌توانست با داشتن مهلتی بیشتر برای رشد به قیام بینجامد^۱ که با کوتاهی و بی‌مهری یاران و خشونت دشمنان سرانجامی نیافت.

پس از امام حسین علیهم السلام، امام سجاد علیهم السلام آغازگر حرکتی تازه بود که در طول ده‌ها سال به گستردگی و وسعتی خاص رسید (کشی، ۱۴۰۹: ۱۲۳).^۲ این حرکت با فترت و زوال بنی امیه فرصتی استثنایی یافت، اما سستی یاران امام در پایبندی بر توصیه اکید آن حضرت بر تقيه، موجب شد حرکت شیعی گرفتار محدودیت‌های حاکمان و طمع ورزی دوستان شده و راه بر تشکیل حکومت ولایی بسته شود. شرایط تازه دیگر با تعیین زمانی برای قیام همراه نبود و همه چیز موکول به پایمردی مؤمنان و تغییر ذهنیت مردم شد.

این منطق است که روایات دیگر حضرت باقر علیهم السلام درباره بی‌فایدگی قیام‌های پیش از ظهور را توضیح می‌دهد. امام به برخی یاران خویش فرمان خانه‌نشینی و همراهی نکردن با کسانی را می‌دهد که به قیام مسلحانه علیه حکومت برمی‌خیزند. امام نه تنها این تحرکات را بی‌فایده می‌داند،^۳ بلکه از بی‌پایگی و بی‌هدفی افرادی از خاندان خبر می‌دهد که اقدام به قیام می‌کنند.^۴

منع از همراهی با قیام‌های بی‌سرانجام همراه با تأکید بسیار بر انتظار فرج و نشان دادن

۱. از علیهم السلام روایاتی نقل شده که براین مطلب دلالت دارد. (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱؛ ۱۷۸)؛ همچنین صدر حدیث کلینی، (۳۶۸، ج ۱: ۱۴۰۷)

۲. از این نکته در نووارهای «تاریخ اسلام» به تفصیل سخن گفته شده است.

۳. لَيْسَ مِنَ أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ يَدْفَعُ ضَيْمًا وَ لَا يَذْعُو إِلَى حَقِّ الْأَصْرَعَةِ الْبَلِيْلَةِ الغَيْبَةِ؛ كُسِي از ما خاندان نیست که ستمی را

دفع کند یا به حقی فراخواند، مگر این که گرفتاری دامنگیرش شود. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۱)

۴. وَ أَنْ تَلْزِمَ بَيْتَكَ وَ تَنْعَدُ فِي دَهْنَاءِ هُلُؤَةِ النَّاسِ وَ إِيَّاكَ وَ الْخَوَارِجَ مِنَ فِتَّاهُمْ لَيُسْوِوْ عَلَى شَيْءٍ وَ لَا إِلَى شَيْءٍ؛ وَ نِيزْ به این که خانه‌نشین باشی و در گرد همایی این مردم شرکت نکنی، و از آنان که از ما خاندان خروج می‌کنند دور باش که آنان چیزی به دست ندارند و به چیزی هم نایل نمی‌شوند. (همو: ۱۹۴)

رفتارهای درست در عصر غیبت است (۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۳۱ - ۳۲۸، ۳۱۶ و ۳۲۷).

امام باقر علیه السلام تصویری عمیق از مفهوم انتظار فرج می‌نمایاند که در آن انتظار، بخشی از دین است، نه صرف حالتی در روح و روان مؤمن. انتظار به مثابه آمادگی و آماده‌سازی شرایط برای ظهور، مهم‌ترین عمل در عصر غیبت به شمار می‌رود؛ عملی که خود فرجی است برای مؤمن در رسیدن به هدف و سطحی متفاوت در زندگی که خود از هر پیروزی و فرجی مهم‌تر است.

آموزش این نکته که اگر انتظار فرج به معنای نارضایتی از شرایط سخت و ابتلائات عصر غیبت باشد، نوعی دنیاطلبی را در خود دارد و اگر مؤمن خود را در چنین شرایطی متضرر احساس می‌کند، در حقیقت نقش خوبیش در این دنیا و اهمیت ابتلا و غربال شدن‌ها (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۳۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳۷۰) را نیافرته که اگر کسی با دوری از محض معصوم بتواند فشارهای فکری، روانی و اجتماعی را تحمل کرده، به آمادگی و آماده‌سازی ادامه دهد، برتر از کسانی است که محض امام را درک می‌کنند و در رکاب او می‌جنگند.

یکی از شیوه‌های بیان معارف مهدوی، اشاره به سنت‌هایی است که هم‌سان با پیامبران الهی در حق امام مهدی علیه السلام نیز جریان یافته است (نک: مشرق موعود، ش ۳۵۷ و ۳۵۹ - ۳۶۳) که از ظرافت‌های این شیوه، در مقاله پیشین سخن گفته شد (نک: مشرق موعود، ش ۲۷: ۲۵ - ۵). امام باقر علیه السلام در چند روایت به سنت‌هایی اشاره دارد که هم‌سان با پیامبرانی چون موسی، عیسی، یوسف، یونس علیهم السلام و محمد علیهم السلام در حق امام مهدی علیه السلام نیز جاری شده است (برای مطالعه کامل‌ترین بیان در این باره، نک: صدق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۲۷).

امام باقر علیه السلام برخی نکته‌های عصر غیبت را همانند سایر معصومین علیهم السلام تکرار می‌کند: اصلاح امر مهدی علیه السلام در یک شب (۳۵۷ و ۴۴۶) و همچنین شهادت بر امامت آن حضرت، توسل به او و دعای برای او (۲۴ - ۱۹) که پیش تراز آثار این بیانات گفتیم.^۱

۳. عصر نزدیک به ظهور

در کتب روایی شیعه و اهل سنت روایات بسیاری می‌توان یافت که از اوضاع روزهای آینده خبر می‌دهند؛ روایاتی که از آن‌ها به روایات ملاحم و فتن تعبیر شده و مؤلفان بسیاری به

۱. شیخ طوسی در *الغیة* (ص ۱۶۲) روایتی درباره محل سکونت امام در عصر غیبت و تعداد همراهان او آورده است که با سندی مشابه در کافی (ج ۱، ص ۳۴۰) و *الغیة نعمانی* (ص ۱۸۸) از امام صادق علیه السلام نقل شده است. قرائتی اتحاد دو روایت را تقویت کرده و اشتهر سند اول و هم‌سانی نقل نعمانی و کلینی و همچنین وجود ضعف در متن سخن شیخ طوسی می‌تواند دلیلی بر رجحان سند کلینی و نعمانی تلقی شده و روایت در زمرة روایات امام صادق علیه السلام قرار گیرد.

تصنیف پیرامون آن‌ها پرداخته‌اند.

بخش بزرگی از این روایات وضعیت زمانی مشخصی نسبت به قیام مهدی^ع ندارند، اما بخشی دیگر از عصری خبر می‌دهند که به قیام مهدی^ع می‌انجامد. روایات اخیر، بخش مهمی از آموزه‌های مهدوی را تشکیل می‌دهد.

این روایات در حقیقت گزارشی از وقایعی است که پیش از ظهور حجت خدارخ خواهند دارد؛ وقایعی که بارخ دادن آن‌ها می‌توان ظهور امام مهدی^ع را توقع داشت و عالیم ظهور به شمار می‌روند.

از بیان عالیم ظهور توسط ائمه^ع هم مصون‌سازی مسلمانان نسبت به جریان‌های انحرافی حاصل می‌گردد و هم احاطه و جایگاه امامان شیعه گوشزد می‌شود. این عالیم گاه در آسمان و زمین و خارج از فضای اجتماعی، و گاه حادثه‌هایی اجتماعی هستند. پر تکرارترین علامت‌های دسته اول در منقولات حضرت باقر^ع ندای آسمانی است؛ ندایی که مهدی^ع به همگان معرفی می‌شود و آغاز قیام او را اعلام می‌کند و برای هیچ کس تردیدی باقی نمی‌گذارد (۳۱۷، ۳۶۲، ۳۸۲، ۳۶۷، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۱ و ۴۳۳).

این بیانات افزون بر ارائه عالمتی مطمئن و حتمی برای ظهور، راه را بر مدعیان مهدویت می‌بندد؛ زیرا ساختن صیحه‌ای آسمانی که در گوش همه نشسته و برای همگان مفهوم باشد، حتی امروزه نیز خارج از اختیار آدمی است.

داعیان عباسی در دوره امام باقر^ع کار خود را آغاز کردند و سوء استفاده از مقاهم مهدوی، از جمله آموزه‌هایی است که در تبلیغات عباسیان مورد توجه خاص بود. استفاده از برخی القاب مهدی^ع مانند سفاح، منصور و مهدی برای سلاطین عباسی حکایت از این توجه دارد. ارائه عالیمی تقلید و جعل نشدنی می‌تواند دست مدعیان را در فربیکاری بینند و شیعیان را با نشانه‌هایی همراه کند و تشخیص حق و باطل را سهل نماید.

در منقولات امام باقر^ع از میان عالیم اجتماعی، خروج سفیانی بسیار مورد توجه است. نام، مشخصات ظاهری (۴۱۸)، نقطه آغاز حرکت (۳۶۲)، درگیری‌های پیش از آن (۴۱۶، ۴۰۵، ۳۱۵، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۹۰، ۳۸۵)، مدت حکومت (۴۱۹) و همچنین حادثی توصیف شده است که برای او و سپاهش رخ خواهد داد (۴۲۲). در این کلمات، امام باقر^ع بر حتمیت قیام سفیانی تأکید شده (۴۲۳) و خروج او را در سال قیام قائم (۴۱۷) و پیش از حدوث آن گفته است (۴۱۳ و ۳۸۴).

واژه «سفیانی» برگرفته از کنیه ابوسفیان - بزرگ بنی امیه - است و از انتساب دشمن بزرگ

مهدی ع به این خاندان خبر می‌دهد. این واژه در عصری که حکومت در اختیار آل امیه است، به نوعی مربوط کردن جریان شیطانی سفیانی به حکومتی است که بر تخت حکومت مسلمین نشسته است. توجه خاص امام باقر ع به سفیانی و داستان او می‌تواند تأکیدی بر تقابل خاندان و جریان اموی با اسلام، پیامبر و حرکت او باشد.

برخی دیگر از عالیم ظهور مانند قتل نفس زکیه (۴۴۷)، اختلاف میان فرزندان عباس، خروج یمانی و همچنین برخی علامات نجومی (۳۷۹ و ۳۸۹) در منقولات از امام باقر ع وارد شده‌اند (۴۲۵، ۴۴۷، ۴۰۵ و ۴۰۶) (برای مطالعه برخی عالیم دیگر، نک: نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۶۲). به نقل از امام باقر ع و نیز مؤسسه المعارف الإسلامية (۱۴۲۸: ۳۱۵، ۳۹۰، ۳۴۵، ۴۰۵) و (۳۶۲). اما در روایات به جای مانده از حضرت باقر ع خبر چندانی از دجال دیده نمی‌شود و تنها در یک نقل به محل خروج دجال اشاره شده است (ج ۵، ۵).

در منقولات امام باقر ع از ظهور پرچم‌های سیاه (نشانه عباسیان) در حمایت از مهدی ع خبر داده شده است (۴۱۱ - ۴۰۹) که پیش‌تر از شبهه اعتبار این روایات و خدشه در منبع آن، یعنی کتاب فتن ابن حماد سخن گفته شد.

۴. ظهور و وقایع هم‌زمان با آن

توصیف هنگامه ظهور، مضمون بخشی از روایات امام باقر ع است. خروج قائم در روز عاشورا رخ خواهد داد (۴۵۱ و ۴۵۳)^۱ و یارانی به تعداد سربازان رسول خدا علیه السلام در بدر خواهد داشت که از مناطق مختلف دنیا گرد او فراهم می‌آیند (۴۴۹ و ۴۴۵).

آری، او آغاز دوباره بدر اسلام و منتقم عاشوراست و هر کس می‌تواند با انتظار مصلحانه این امید را در دل پیرو راند که در محض او و در رکابش حاضر شود و حجاب زمان و مکان مانع از حضور و همراهی نخواهد شد. این سپاه، همان سپاه بدر محمد علیه السلام است که بازگشته و آن چه ناتمام مانده بود را تمام می‌کند.

در مکه خطبه خوانده، حرکت خود را آغاز می‌کند؛ پرچم، سلاح، کلاه خود و سپرسول خدا علیه السلام را به همراه دارد و پیمان‌نامه‌ای از جانب او، کنار کعبه، میان رکن و مقام با او بیعت

۱. این سخن با استناد مختلفی از ابوبصیر نقل شده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۸۹؛ صدوق، ۱۳۹۵: ۲-۱؛ ج ۶۵۴-۶۵۳). و مشابه آن از کثیرالنؤاء (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ۳۰۰) و به نقل از علی بن مهزیار نیز وارد شده است (نک: صدوق، ۱۴۱۳: ج ۱؛ ۲۷۲). در نقل‌هایی از حادثه‌ای میمونی خبر داده شده که در این روز رخ داده و توجیهی برای دستور به روزه گرفتن در روز عاشوراست. بی‌اعتباری این روایات و صدور آن به سبب تغییه در بحث از روزه عاشورا روشی است (نک: اشتهرادی، ۱۴۱۷: ج ۲۱؛ ۳۶۲) اما نقل علی بن مهزیار از این مطالعه خالی است و به همین دلیل، خدشه در مدلول آن (وقوع قیام در روز عاشورا) بی‌جهت خواهد بود.

می‌شود (۳۶۴ - ۳۶۷) و باندای آسمانی و معرفی او با نام و نام پدر، جای شبهه برای کسی باقی نمی‌ماند (۳۶۷ و ...). او عصا و سنگ موسی (۳۶۹ و ۳۷۳) را به همراه دارد و سنت‌هایی از انبیا در حق او نیز جاری است (۳۵۹ - ۳۶۳).

او با نام رسول خدا و با همان پرچم، سیره و سلاح او بازگشته است. او ادامه انبیاست، و با ابزارها و سنت‌های آنان همراه است. در تأیید او آسمان به زمین متصل شده و جایی برای شبهه و تردید باقی نمی‌ماند. آن که در برابر او می‌ایستد، از حجت بالغه الهی عبور کرده و در برابر آن ایستاده است.

عیسی مسیح ﷺ در زمان او به زمین بازمی‌گردد. عیسی ﷺ در رکاب مهدی ﷺ است و در نماز به او اقتدا می‌کند (۴۹۹ و ۵۰۰). در کافی از امام باقر ﷺ نقلی وارد شده که در آن از همراهی الیاس پیامبر با مهدی ﷺ خبر داده است (۴۳۹ - ۴۴۳).

همراهی عیسی ﷺ می‌تواند به یک دست شدن دو دین بزرگ ابراهیمی اشاره داشته باشد و به این‌که این جنگ میان صاحبان ادیان و مذاهب نیست و حق محض در برابر باطل محض صف خواهد کشید.

امام باقر ﷺ در برخی روایات از اوصاف یاران قائم گفته است؛ از شجاعت فوق العادة آنان (۴۳۷)، از برادری و رفاقت‌شان (۴۳۵) و از مطیع بودن آسمان و زمین و اشتیاق‌شان برایشان (۴۳۴). یاران قائم همگی در قید حیات نیستند و بسیاری از آنان به دنیا رجعت کرده و در رکاب امام زمان ﷺ حاضر می‌شوند (۱۵ و ۱۶).

تصویر یاران قائم به مخاطبان شرایطی را گوشزد می‌کند که با تحقق آن می‌توان به ظهور قائم امید بست. تا این استوانه‌ها بزرگ نباشند، امکانی برای حکومت مهدوی نیست و این بار بزرگ بر شانه‌های ناتوان جای نمی‌گیرد. مخاطب با دیدن فاصله خود با این تصویرزیبا، هم راه را می‌بیند و هم دلیل غیبت را می‌یابد و همچنین شوق حرکت را احساس می‌کند. در نقلی از جایی، امام باقر ﷺ شیوه سلام گفتن بر امام مهدی ﷺ به هنگام روبت او را به شیعیان آموخته که عبارت آشنایی از زیارات جامعه است (ج ۵، ۱۷ و ۱۸). سلام بر او صدها سال پیش از تولدش و سلام بر او که توفیقی برای دیدارش نداریم، او را در دل و خیال ما حاضر کرده و با کلماتی زیبا بذر شناخت و احساس را در مخاطب می‌نشاند.

۵. جنگ‌های تا شکل‌گیری حکومت جهانی

شكل‌گیری حکومت جهانی مهدی ﷺ با موانعی روبروست که جز با جنگ کنارزده نمی‌شود. یاران شجاع و هم‌دل قائم ﷺ که از آسمان و زمین حمایت می‌شوند، در خدمت

اویند. در روایات، از مسیر حرکت قائم (۴۵۵ و ۴۶۹)، رفتن به سوی قدس (۴۹۱ و ۴۹۲)، درگیری‌ها و جنگ‌های او و همچنین پیروزی‌هایی که در انتظار اوست خبر داده شده است (۳۷۸ و ۴۸۱)؛ پیروزی‌هایی که با حمایت همان فرشتگان به دست می‌آید که در جنگ بدر مدرسان رسول خدا^{علیه السلام} بودند (۴۳۴).

روایات امام باقر^{علیه السلام} سیره قائم^{علیه السلام} را همانند سیره رسول خدا^{علیه السلام} دانسته^۱، اما در همین روایات چند نکته دیده می‌شود که به نظر با سخن فوق هماهنگ نیست:

۱. برخی روایات از برخوردهای شدید و متفاوت امام مهدی^{علیه السلام} خبر می‌دهد (۳۸۴ و ۴۷۳ - ۴۸۰). حتی در روایتی زراوه از امام باقر^{علیه السلام} صراحتاً پرسیده است: «أَيْسِيرُ بِسِيرَةِ مُحَمَّدٍ؟» و امام در جواب فرموده: «هَيَّاهَاتٌ هَيَّاهَاتٌ يَا زُرَّازَةُ! مَا يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۶).
۲. در برخی روایات امام باقر^{علیه السلام} از تجدید اسلام توسط امام مهدی^{علیه السلام} و دعوت او به سنت و امری جدید خبر داده شده است (۳۱۷، ۳۸۴، ۵۰۳ - ۵۰۶).

۳. روایتی نیز از امام باقر^{علیه السلام} نقل شده که سیره قائم^{علیه السلام} در قضاوت را گاه همسان با پیامبر^{علیه السلام} و گاه متفاوت با او معرفی کرده است (۴۸۳).

با دقت در روایات فوق، می‌توان ناهمانگی ظاهری را برطرف کرد؛ زیرا مراد از تفاوت سیره امام با رسول خدا^{علیه السلام} در برخورد سختی است که او از آغاز با دشمنان خدا خواهد داشت. اما اصول حاکم بر رفتار امام نیز همان است که رسول^{علیه السلام} به همه آموخته است.

رسول خدا^{علیه السلام} ابتدا به بیان دعوت و اتمام حجت پرداخت و در این راه جز به ملاطفت و حوصله راه نپیمود، اما آن جا که چیزی جز عناد و دشمنی باقی نماند، او به شکستن توطئه‌ها اقدام کرد. برخوردهای تند امام مهدی^{علیه السلام} با کسانی است که جز عناد ندارند و جز زبان شمشیر نمی‌فهمند. مروری بر شخصیت سفیانی و دجال این ویژگی در دشمنان امام را نشان می‌دهد.

دعوت با ندایی آسمانی و علایمی آغاز می‌شود که حجت را برهمنگان تمام و تمام می‌کند.

روایات بحث مهدویت، امام را دفع‌کننده شر سفیانی و دجال می‌داند، نه آغازگر جنگ با آنان.

روایات دعوت به اسلامی جدید از نکته مخالف با مسلمات قرآنی و روایی سخن نمی‌گوید.

دعوت به سنت و اسلام جدید، دعوت به امری متفاوت با سنت و اسلامی است که مردم به آن خوکرده‌اند؛ اسلام و سنتی که گرد و غبار کج فهمی و دست‌های دسیسه بر آن آسیب‌ها زده

۱. أَمَّا شَنَّتُ مِنْ مُحَمَّدٍ فَيَهُتَدِي بِهُدَاهُ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ. (صدقه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۵۱)

۲. امام صادق^{علیه السلام} در کلامی مفصل از این روند سخن گفته است. (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۱۰)

است (برای تفصیل این مطلب نک: کشی، ۱۴۰۹: ۱۳۸، روایتی طولانی از امام صادق علیه السلام). آری، به نظر می‌رسد در نظام قضایی امام مهدی علیه السلام بر اساس واقع حکم خواهد شد و به امارات و ادله احراز، اکتفا خواهد گردید و این تمایزی میان نظام قضایی حکومت موعود با نظام قضایی رسول خدا علیه السلام و امیر المؤمنان علیه السلام است.

در روایتی از حضرت باقر علیه السلام به شهر کوفه به عنوان محل حضور یا سکونت امام مهدی علیه السلام پس از قیام اشاراتی شده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۰). البته طبیعی است که محل سکونت امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت مشخص نشده و تنها برخی روایات به محل‌های گوناگونی به عنوان اماکن سکونت یا حضور امام اشاره دارند.

۶. حکومت حجت خدا

این وعده مکرر رسول علیه السلام و جانشینان اوست که مهدی علیه السلام دنیای لبریز از ظلم و بیداد را به دنیایی سرشار از عدل و داد بدل خواهد کرد (۵۲۱). حضرت باقر علیه السلام از عدل او (۴۸۷ و ۵۱۳)، تکامل عقل‌ها در عصر او (۵۱۶ و ۵۱۵) و از بخشش و عطای او (۵۱۱ - ۵۰۹) خبرداده و حکومت باعظمتی (۳۷۱) را ترسیم می‌کند که بر تمام عالم سیطره داشته (۵۰۱) و حتی قوای طبیعی نیز مستخر اویند (۵۱۷ و ۵۱۸).

او به حکومت و راهی دعوت می‌کند که برای مردم تازگی خاصی دارد و از اسلامی سخن می‌گوید که با درک دیگران از آن متفاوت است (۳۱۷، ۳۸۴ و ۵۰۳ - ۵۰۶).

این تصویرها مخاطبان را با حکومت معصوم آشنا می‌کنند و نصاب حکومت در نگاه شیعه را آموزش می‌دهند. اگر همت کنیم و زمینه‌ها را فراهم سازیم، ناچار از سعی و خطاهای مکرر و تحمل جهل و جور یکدیگر نیستیم و می‌توانیم به چنین اویی دست بیابیم. این نگاه است که برای عدالت ورزی‌های کوچک امثال عمر بن عبدالعزیز حسابی بازنمی‌کند که در چشم شیعه حکومت حقه بسیار فراتراز جلوه‌های کوچکی از عدالت است که گاه در حق یکدیگر روا داشته‌ایم.

رجعت معصومین علیهم السلام از جمله رسول خدا علیه السلام، امام علی و امام حسین علیهم السلام یکی از نکات است که در روایات امام باقر علیه السلام به آن پرداخته شده است (ج ۵، ۷ - ۱۴). در میان این منقولات، روایت عمرو بن ابی المقدام از جابر که در دو کتاب تفسیر عیاشی و اختصاص مفید وارد شده، مضمون غریب‌تری دارد (ج ۵، ۹). روایت از ۱۹ سال حکومت قائم، پنجاه سال هرج و مرج پس از وفات او و سپس بازگشت امام حسین علیه السلام به دنیا و مطالبه خون خود و اصحابش خبر می‌دهد و از خون‌ریزی وسیع آن حضرت که بدگمانی مردم و قیام عمومی علیه ایشان را

به دنبال دارد. امام حسین علیه السلام به حرم خدا پناه می‌برد و در فشار شدید می‌میرد. پس از مرگ حسین علیه السلام، علی علیه السلام خشمگین از آن‌چه با حسین علیه السلام کرده‌اند به دنیا بازگشته و تمام دشمنان اهل بیت علیه السلام را می‌کشد و بر تمام زمین حاکم می‌شود. حکومت او سیصد و نود سال به طول خواهد انجامید.

روایت عمرو بن ابی المقدام از جابر متن‌های متفاوتی دارد. در نقل غیبت نعمانی هیچ سخنی از سفاح و منصور یا منتصرو از تطبیق آن بر امام علی و امام حسین علیه السلام نیست. شیخ طوسی نیز در کتاب غیبت به خروج منتصرو سفاح اشاره کرده، ولی از دو امام علیه السلام نامی به میان نیاورده است. با توجه به فقدان سند در کتاب تفسیر عیاشی و همچنین معلوم نبودن مؤلف کتاب اختصاص نمی‌توان به این دو متن اعتماد کرد.

مضامین موجود در اضافات تفسیر عیاشی و اختصاص بسیار غریب است. این‌که پنجاه سال پس از رحلت قائم، حسین بن علی علیه السلام بازمی‌گردد و در چنین زمانی طالب خون خود و اصحابش می‌شود و این‌که چنان خون‌ریزی بربپا می‌شود که همه مردم علیه او قیام کرده و او را تا سرحد مرگ تحت فشار می‌گذارند، این‌که امام علی علیه السلام به انتقام خون او برمی‌خیزد و با این‌که دوره‌ای بسیار طولانی بر زمین حاکم می‌شود، همگی از غرایی‌ها هستند که پذیرش آن‌ها دشوار است و کمتر مؤیدی نیز براین مطالب می‌توان یافت.

آری، رجعت امام حسین علیه السلام در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام پیش‌بینی شده است (ج ۵، ۱۳) اما این روایت از حکومت بسیار طولانی آن حضرت خبر می‌دهد که کاملاً با روایت عیاشی و اختصاص منافات دارد. افزون بر این، این روایت نیز در کتاب مختصر بصائر الدرجات وارد شده که در مقالات گذشته از ضعف بخشی از مندرجات آن سخن گفته شد.

۷. پس از مهدی

جهان پس از رحلت مهدی علیه السلام چگونه خواهد بود؟ این سؤالی است که در سخنان حضرت باقر علیه السلام پاسخی به آن نمی‌توان یافت، مگر در روایتی کوتاه که در آن به وجود قوّام و جانشینانی برای امام مهدی علیه السلام اشاره شده است (ابن قولیه، ۱۳۵۶: ۳۰).

در پایان، اشاره مجدد به این نکته لازم است که از امام باقر علیه السلام درباره معارف مهدوی، روایات تفسیری بسیاری به جا مانده است. در جلد هفتم کتاب معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ۹۳ روایت تفسیری از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که افزون بر آموزش معارف مهدوی، به ارائه مستندات قرآنی برای این آموزه‌ها پرداخته و شیوه‌های متفاوتی از استنباط و تفسیر را در اختیار

گذارده است.

نتیجه

عصر صادقین علیهم السلام فرصتی برای آموزش معارف دینی است که بخشی مهم از آن را معارف مهدوی تشکیل می‌دهد. آموزش این معارف به گونه‌ای است که روش‌های استنباط را نیز می‌آموزد، عمق تازه‌ای از معارف دینی را به مخاطبان معرفی می‌کند و همچنین شیوه را برای دشواری‌های عصر غیبت آماده می‌سازد. عصر امام باقر علیه السلام زمان آماده شدن برای تهدیدی از سوی یاران دیروز و قدرت طلبان امروز است که آماده‌اند با امید به منجی، برای خود پلکانی برای رسیدن به قدرت بسازند. آموزش‌های امام باقر علیه السلام به شیوه‌هایی ظریف، مخاطب را با عالیمی آشنا می‌کند که منحرفان را در هر لباسی بشناسند و خود نیز گرفتار نشوند.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

مفاتيح

- ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد، الثقات، تحقيق: محمد عبدالعيميد خان، حيدرآباد هند، دائرة المعارف العثمانية، ١٣٩٣ق.
- ابن سعد، ابوعبدالله محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر، بى تا.
- ابن عدى، عبدالله، الكامل فی ضعفاء الرجال، تحقيق و مقابلة: سهيل زکارو يحيى مختار غزاوى، بى جا، دارالفکر، بى تا.
- ابن قولويه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف، دار المرتضوية، ١٣٥٦ش.
- اشتهرادی، على پناه، مدارک العروة، تهران، دارالأسوة للطباعة و النشر، ١٤١٧ق.
- اصفهانی، ابوالفرح، مقاتل الطالبین، قم، دارالكتاب، ١٣٨٥ق.
- برقي، احمد بن محمد بن خالد، المحسن، قم، دار الكتب الاسلامية، ١٣٧١ق.
- بلاذری، احمد بن يحيى بن جابر، انساب الاشراف، تحقيق: محمد باقر محمودی، بيروت، مؤسسة الاعلمی، ١٣٩٤ق.
- حزانی (ابن شعبه)، حسن بن على، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم، جامعه مدرسین، ١٤٠٤ق.
- خطیب بغدادی، احمد بن على، تاريخ بغداد، تحقيق: مصطفی عبد القادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمیة، بى تا.
- راوندی، قطب الدين سعيد بن هبة الله، الخرائج والجرائح، قم، مؤسسہ امام مهدی، ١٤٠٩ق.
- صدوق، محمد بن على بن بابویه، التوحید، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ١٣٩٨ق.
- _____، کمال الدین وتمام النعمة، تهران، انتشارات اسلامیه، ١٣٩٥ق.
- _____، من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٣ق.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، تحقيق: خرسان، تهران، دارالكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.
- _____، الغیة للحجۃ، قم، دار المعارف الاسلامیة، ١٤١١ق.
- عسقلانی (ابن حجر)، احمد بن على بن حجر، تهذیب التهذیب، بى جا، دارالفکر، ١٤٠٤ق.
- کشی، محمد بن عمر، رجال الكشی (اختیار معرفة الرجال)، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ١٤٠٩ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الكافی، تهران، دارالكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.

- مجلسى، محمد باقر بن محمدتقى، بحار الأنوار الجامعة للدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.
- مروزى، نعيم بن حماد، كتاب الفتن، تحقيق: سهيل زكار، بيروت، دارالفكر، ١٤١٤ق.
- مزى، جمال الدين ابوالحجاج يوسف، تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، تحقيق: بشار عواد، بغداد، بيـنا، ١٤٠٦ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإختصاص، قم، كنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ١٤١٣ـالف.
- _____، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ١٤١٣ـب.
- مؤسسة المعارف الإسلامية، معجم احاديث الامام المهدى، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤٢٨ق.
- نسائى، احمد بن على بن شعيب، كتاب الضعفاء والمتروكين، تحقيق: محمود ابراهيم زائد، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٦ق.
- نعمانى، محمد بن ابراهيم، كتاب الغيبة، تهران، نشر صدوق، ١٣٩٧ق.
- نوبختى، حسن بن موسى، فرق الشيعة، بيروت، دارالاضواء، ١٤٠٤ق.